

مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مطالعه در کشورهای جنوب

دکتر فریبرز خسروی^۱

چکیده: مقاله با ارائه آمارهای مطالعه سرانه در کشورهای جنوب به بررسی تنگنای اقتصادی و معیشتی، درون زانبودن و عدم پویایی نظام تعلیم و تربیت، از خود بیگانگی فرهنگی، تأثیر منفی تلویزیون بر خواندن، فقدان تفکر اقتصادی، عدم تنوع مواد اطلاعاتی، کمبود کتابداران و اطلاع‌رسانان متخصص، بی‌سوادی و بی‌سوادی اطلاعاتی، به عنوان عوامل زمینه‌ساز کاستی‌های موجود در زمینه فرهنگ خواندن می‌پردازد و شناسایی آسیب‌های مطالعه، داشتن برنامه‌های راهبردی، رفع موانع و رشد گرایش به اطلاعات را از ویژگی‌های یک جامعه خردمند و آینده‌نگر به شمار می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: مطالعه، کشورهای جنوب، آسیب‌شناسی

مقدمه

از یک سو گرایش به کتاب و کتابت از عوامل مهم رشد به سامان محسوب می‌شود و میزان دستیابی به اطلاعات از عوامل توسعه ملی به حساب می‌آید، که این خود، موضوع رقابتی بین‌المللی شده است (۲۳:۱)، زیرا اطلاعات در دنیای امروز از منابع مهم ایجاد قدرت و تولید ثروت محسوب می‌شود (۳۴:۶).

از سوی دیگر واقعیات موجود، وضعیت اسفناکی را در این باره در حوزه جهان سوم ترسیم می‌کند. با توجه به اینکه برای کشور خودمان ارقام اعلام شده

برای مطالعه سرانه از یک دقیقه در سال (۵:۱۸) تا دو دقیقه و نیم در روز (۱۴:۱۷) یعنی بیش از ۹۰۰ دقیقه در سال متغیر است و پژوهش‌های روشمند مطالعه‌ای در حدود ۴۱ دقیقه در شبانه‌روز را برای هر دانش‌آموز ایرانی بیان کرده‌اند، اما همه این واقعیات بیانگر کاستی فراوان در مقایسه با کشورهای شمال است (۹۲:۱۲). به راستی علت این نقصان را در کجا باید جست‌وجو کرد؟

۱. معاون کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از عواملی که ممکن است به عنوان زمینه این کاستی در کشورهای جنوب مطرح شود، پیشینه تاریخی این کشورهاست. خوشبختانه بسیاری از کشورهای جنوب از شبه قاره هند گرفته تا فلات ایران و از بین النهرین تا سواحل نیل، همگی بستر و مهد تمدن‌های عظیمی بوده‌اند که تاکنون بشریت وامدار آن است. اولین نوشته‌ها و محمل‌های اطلاعاتی به شکل‌های سفالینه، پاپیروس و کاغذ در این گستره نمود یافته است.

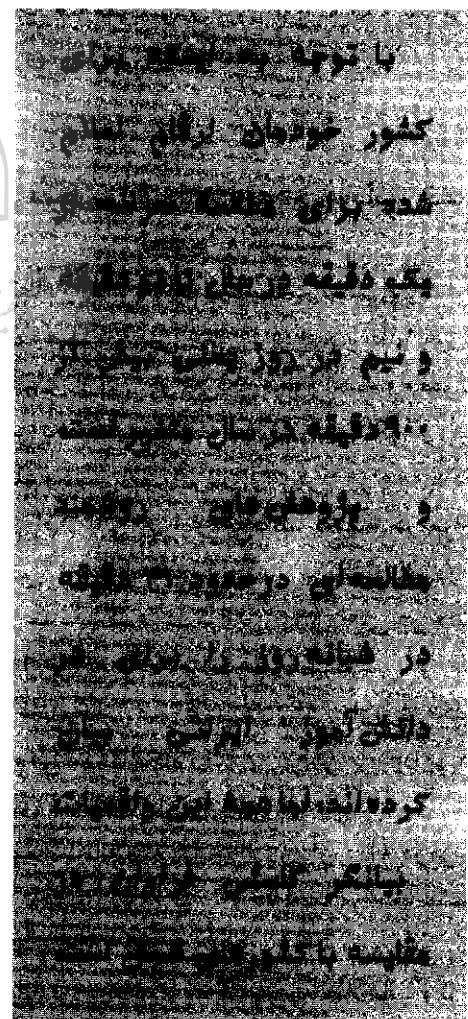
تمدن گران سنگ اسلامی آغازگر حرکتی پویا در

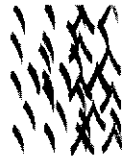
زمینه کتاب، کتابت و کتابخانه بود. اسلام؛ کتابش خواندنی، سوگندش "قلم و آنچه با آن می‌نویسند"، گفتار رهبرانش "سخن نو" و وسیله آزادی آسرایش "سوادآموزی" بود. این توجه در سده‌های میانه بالندگی و شکوفایی فرهنگی را در شرق اسلامی به ارمغان آورد. در زمانی که کتاب‌های معدود موجود در کلیسا از ترس ربوده شدن با زنجیر بسته می‌شد (۹: ۱۲۲۶)، کتابخانه خصوصی یک مسلمان بیش از همه کتاب‌های کتابخانه‌های اروپا کتاب داشت (۱۳: ۲۷۹). و اگر پیشینه تاریخی را یکی از عوامل مؤثر در پرداختن به این مهم بدانیم، بسیاری از کشورهای جنوب باید وضعیتی به مراتب برتر و پویاتر از کشورهای شمال داشته باشند اما عملاً چنین نیست؛ پس علت این نقصان و آسیب را در بین عوامل دیگر باید جستجو کرد. بعضی از این عوامل به طور خلاصه ذکر می‌شود:

۱. تنگنای اقتصادی و معیشتی

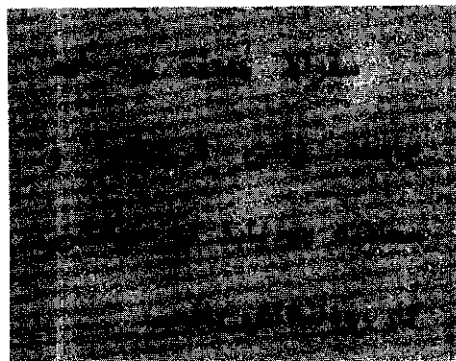
سقراط معتقد بود که جامعه وقتی فرزاندگی و سعادت می‌یابد که خواندن کار روزانه‌اش باشد (۱۰: ۶۴۷) و در ۲۳ قرن بعد یعنی قرن ۱۹ میلادی یکی از نویسندگان بنیادگرای روسی چنین عنوان کرد که ممکن است شرایط، اوضاع و احوالی به وجود آید که در آن یک جفت کفش بیش از آثار شکسپیر ارزش داشته باشد (۴: ۲۸۱). در جهان سوم همواره این دو گفته مصداق یافته است. از یک سو فرزندان این جوامع راه پیشرفت و توسعه راه گسترش کتاب خواندن و ایجاد کتابخانه اعلام کرده‌اند و از سوی دیگر همواره شرایط و اوضاع به گونه‌ای بوده است که در این جوامع خواندن کتاب و ایجاد کتابخانه مغفول افتاده و به امری غیر ضروری تبدیل شده است.

از مهم‌ترین آفات مطالعه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فراهم نبودن حداقل معیشت است که عملاً جامعه را از پرداختن به مطالعه بازمی‌دارد. به



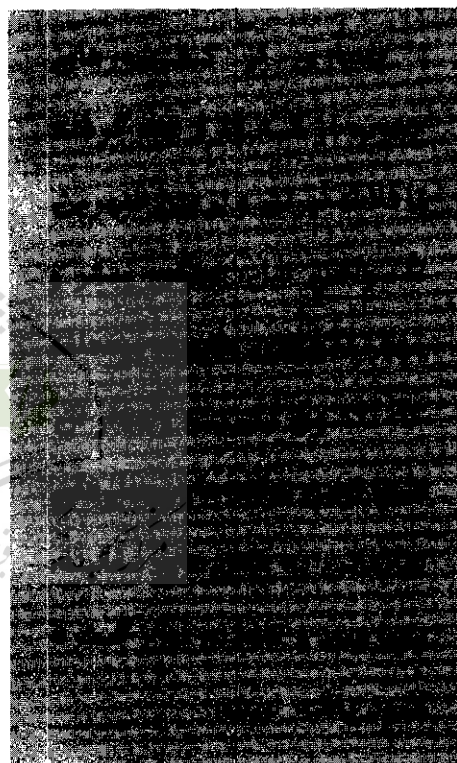


عدم اقبال به کتابخوانی مشاهده می شود.
علل کم خوانی در این جوامع فقط به فقر اقتصادی



راستی وقتی کسی کفش به پا ندارد، سخن گفتن
از طرح و نقش شال گردن برای وی اگر احمقانه نباشد
باید ساده لوحانه و یا مزورانه تلقی شود.
پایین بودن درآمد سرانه در این کشورها سبب
به وجود آمدن وضعیتی شده است که بیشتر مردم زیر

خلاصه نمی شود و همان طور که گفته شد عوامل
دیگری را نیز می توان برشمرد.



۲. درون را نبودن و عدم پویایی نظام تعلیم و تربیت

نظام وارداتی تعلیم و تربیت در بیشترین کشورها
چون وصله ناچسبی عمل کرده است. نظام آموزشی
در کثیری از این جوامع تک محور است و معمولاً بر
اساس یک کتاب و یا یک جزوه درسی شکل می گیرد،
و معلم و دانش آموز خود را از هرگونه مراجعه به دیگر
منابع اطلاعاتی بی نیاز می داند. به ویژه در مراحل
آغازین تحصیل هیچ ارجاعی به کتب غیردرسی
صورت نمی گیرد. در مراحل بعدی حتی در سطوح
عالیه، مراجعه به کتابهای غیردرسی و منابع
اطلاعاتی حالتی صوری دارد و بیشتر برای رفع تکلیف
انجام می شود تا انجام وظیفه. پژوهش ها نشان می دهد
افراد که در مراحل نخستین تحصیل به سوی کتاب
هدایت شده اند و به کتابخوانی رو آورده اند در مراحل
دیگر تحصیل نیز به کتاب و کتابخانه مراجعه بیشتری
داشته اند (۱۷۹:۲).

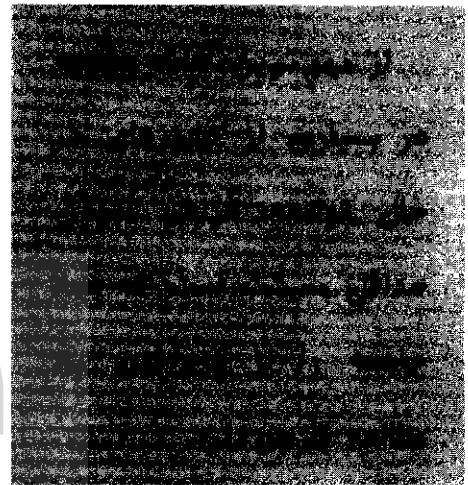
باید توجه داشت که گرایش به اطلاعات و یا

خط فقر قرار می گیرند؛ نبود عدالت اجتماعی، وضعف
و وابستگی بنیادهای اقتصادی این جوامع، بر مشکل
می افزاید.

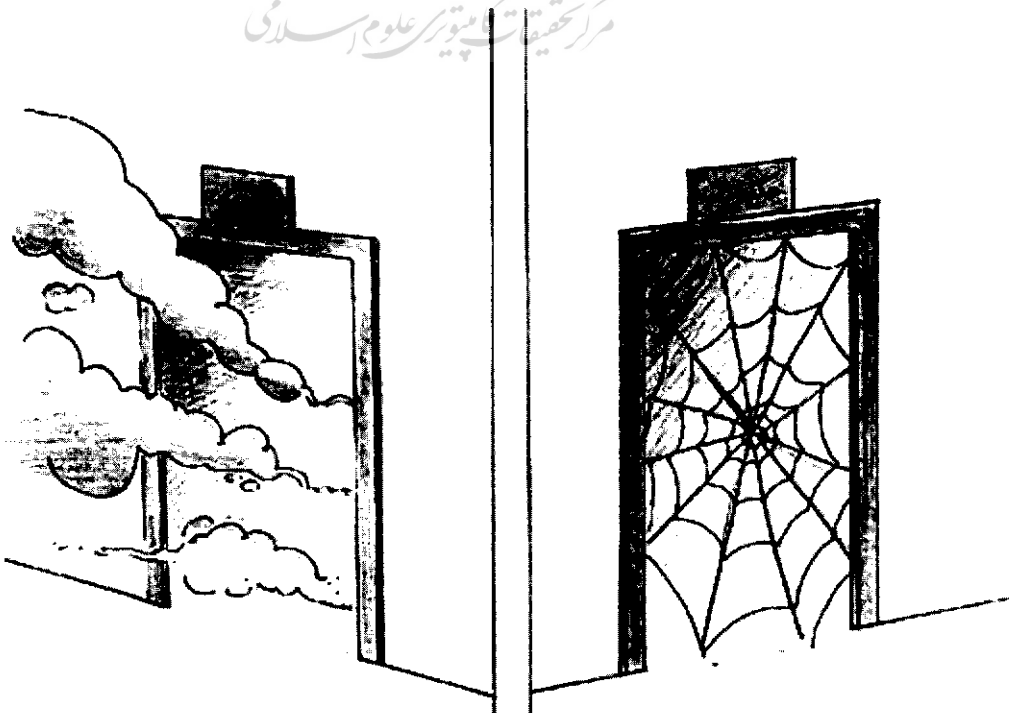
گرایش به دلالتی به جای تولید، ظهور و بروز هر
گونه پژوهش را که موجب ارج گذاری به ساحت
فرهنگ و کتاب شود، می خشکاند. در این جوامع با
توجه به سودآوری سایر بخش ها، علم و عالم
نمی تواند جایگاه خود را پیدا کند و ترفیع یابد لذا در
کشورهای توسعه نیافته ای هم که به علت منابع
زیرزمینی از سطح درآمدی مناسب برخوردارند، پدیده

میان معلم و شاگرد، و داد و ستد میان استاد و کارآموز است (۶:۷) که در بسیاری از کشورها چنین نیست. نکته دیگری که می توان از آن به عنوان کاستی نظام آموزشی این کشورها نام برد، ساختار متون درسی است. درون‌زا نبودن این متون سبب می شود دانش آموز از خواندن آن احساس لذت نکند و از ادامه راه بازماند. نگاه دانشجو و دانش آموز بیشتر رفع تکلیف است. به طور مثال در درس ادبیات که حاوی ملموس ترین و غنی ترین مفاهیم حیاتی است؛ معمولاً به خود ادبیات نمی پردازند، بلکه مثلاً چنان به تاریخ ادبیات و دستور زبان خشک و بدون استفاده پرداخته می شود که ذوق کودک و نوجوان خشک می شود و عملاً هیچ انگیزه ای برای ادامه راه باقی نمی ماند. به بیان دیگر در بیشتر مدارس نگرش به کتاب و مراجعه به آن با انگیزه "وظیفه مندی" انجام می شود. این پرداختن به وظیفه به دور از اصل "لذت مندی"، باعث عدم ایجاد زمینه و انگیزه لازم در فرد برای ادامه

اطلاعات باوری یک شبه پدید نمی آید، باید نهادینه شود و به صورت سنت درآید و مثل هر باور دیگر، باید از خردسالی و در محیط خانواده پدید آید و در مدرسه و دانشگاه و محل کار تقویت شود و استمرار یابد. راه دوم استقرار و استمرار چنین باوری، آموختن و آموختن این باور در روابط اعضای خانواده، ارتباط



مقدمه ای بر آسیب شناسی مطالعه...



<http://arab-caricature-lib.8k.com/cgi-bin/i/101.jpg>

گرفته شوند، مکمل یکدیگر هستند (۴۹:۱۱).
اما دیری نپایید که در دهه ۹۰ متفکرانی همچون
پستمن در این زمینه نظرات مخالف را ابراز کردند. او

مطالعه می‌شود. با وجودی که پرداختن به مطالعه
از روی وظیفه، هیچ سودی هم در بازار کار برای وی
پدید نمی‌آورد اما عملاً بر نهادهای نشدن مطالعه دامن
می‌زند.

مشکل پدید آمده در نظام تعلیم و تربیت فقط به
این کاستی‌ها خلاصه نمی‌شود.

۳. از خود بیگانگی فرهنگی^۲

نظام حاکم بر تعلیم و تربیت این جوامع به علت
وارداتی بودن عناصر اساسی‌اش، عملاً افراد را به مسخ
و گریز از خویشستن وامی‌دارد. تعلیم یافتگان این
مدارس به موجوداتی بدل می‌شوند که رفتاری را که
مطلقاً خانه‌زاد نیست نشانه هدایت و تکامل خود
می‌دانند. پائولو فریره در کتاب ارزشمند آموزش
ستمیدگان به زیبایی بیان داشته است که در استیلا
فرهنگی اساس آن است که استیلاشدگان به جایی
برسند که واقعیت خود را بیشتر از دیدگاه استیلا یافتگان
ببینند و به تأثیرپذیری از ارزش‌ها، معیارها و هدف‌های
مهاجرانه آنها رو بیاورند (۱۸۳:۱۴) و به قول میلان
کوندرا که از زبان هاول نقل می‌کند: نخستین گام برای
از میان برداشتن یک ملت پاک کردن حافظه آن است،
باید کتاب‌هایش را، فرهنگش را و تاریخش را از بین برد (۱۲۲:۱۵).
شاید همین ترفند باعث شده است که پیشینه
گران سنگ این جوامع تأثیری تعیین کننده در توجه آنها
به کتاب و اطلاعات نداشته باشد.

۴. تأثیر تلویزیون بر خواندن

در سال ۱۹۶۴ رئیس صندوق کمک به پیشرفت
تعلیم و تربیت با قاطعیت اعلام داشت: این تصور که
توسعه تلویزیون عامل کم شدن خواندن می‌شود،
اشتباه بزرگی است. زیرا این دو اگر عاقلانه به کار

معتقد است نوجوانی که دوره متوسطه را در امریکا
به پایان می‌برد نزدیک به ۱۶,۰۰۰ ساعت تلویزیون دیده
است و این به آن معناست که در این کشور ابتکار در
مقوله تعلیم و تربیت در دست مدیران و آموزگاران و یا
مسئولان متعهد نیست، بلکه این امر خطیر در دست
صفحات تلویزیون است که طراحان آن متخصص

تعلیم و تربیت نیستند بلکه هنرمندان و مجریان سرگرمی‌ها در تلویزیون هستند.

کار اساسی تلویزیون القای این نظر است (و در این القا موفق نیز بوده است) که تعلیم و سرگرمی با هم متحدند و نباید از هم جدا شوند؛ این باور را از هیچ یک از فلاسفه تعلیم و تربیت، نه کنفوسیوس و افلاطون و سیسرو، نه لاک و جان دیویی نشنیده‌ایم. سیسرو می‌گفت: هدف از تعلیم آن است که دانش آموز بتواند خود را از اسارت و قساوت لحظه‌ها رها کند که این البته ممکن است چندان ساده و خوشایند نباشد (۳۰۴:۵)، اما تلویزیون دقیقاً عکس این حرکت می‌کند. لحظه‌های خوش آفریدن و گریز از دغدغه‌ی خاطر و ناخشنودی. لذا برنامه‌های تلویزیون حاوی مطالبی نیست که:

باید به خاطر سپرده شود؛

باید مطالعه شود و در آنها دقت شود؛

نیاز به پشتکار و هوشیاری و زرنگی خاص داشته باشد؛

نیاز به بحث و مناظره داشته باشد (۳۰۶:۵).

این عوامل همگی زمینه‌ساز گریز از کتاب و مطالعه خواهند بود.

در جوامع توسعه نیافته به نکات دیگری نیز باید اشاره داشت، در جوامع صنعتی زمانی تلویزیون وارد شد که مطالعه در این جوامع نهادینه شده و جای خود را در فرهنگ آنان باز کرده بود. هنوز در آمریکا در بین افراد ۱۲ تا ۱۸ ساله علاقه به خواندن مقام اول را داراست و نسبت به استفاده از رایانه رتبه بالاتری دارد (۲۱). بر اساس پژوهشی دیگر ۴۳ درصد از دانش‌آموزان در آمریکا اعلام کرده‌اند که برای سرگرمی به طور روزانه به مطالعه می‌پردازند (۲۲)؛ اما در کشورهای جنوب تلویزیون وقتی وارد شده است که فرهنگ کتابخوانی شکل نگرفته و نهادینه نشده بود. لذا می‌توان تأثیر منفی آن را بسیار بیشتر از جوامع صنعتی دانست.

پژوهش‌هایی که در ایران انجام یافته، نشان می‌دهد که گرایش به تلویزیون در نقصان گرایش به کتاب بی تأثیر نبوده است (۸۴:۸). القای خوشی‌های لحظه‌ای و نگاهی ملاحظه‌وار به زندگی باعث دوری از تفکر و اندیشه در زندگی به ویژه تفکر نقاد می‌شود. لذا یکی از عوامل منفی دیگر در عدم خواندن را نبود همین ویژگی در این جوامع می‌توان تلقی کرد.

۵. نبود تفکر نقاد

تفکر انتقادی به معنی اندیشیدن مسئولانه، متضمن

نظام حاکم بر تعلیم و تربیت این جوامع به علت ولردن بودن منابع است. محلا افراد را به منع و گریز از خویش و وطنی دارد. تعلیم یافتگان این مدارس به موقعیت بدنی می‌شوند که رفتاری را که مطلقاً خانه زاد نیست نشانه هدایت و تکامل خود می‌دانند. پائولو فریرا در کتاب ارزشمند آموزش ستم‌دیدگان به زیبایی بیان داشته است که در استیلای فرهنگی اساس آن است که استیلادگان به جایی برسند که ولایت خود را بیشتر از دیدگاه استیلادگان ببینند و به تکریم‌پذیری از ارزش‌ها، معیارها و هدف‌های مهم‌مانه آنها رو بیاورند.

ادواری ها به طور مقایسه ای مؤید این عدم تنوع و در نتیجه عدم اقبال به خواندن است. بهترین معیار سنجش را می توان موقعیت کتابخانه ملی کشورها دانست:

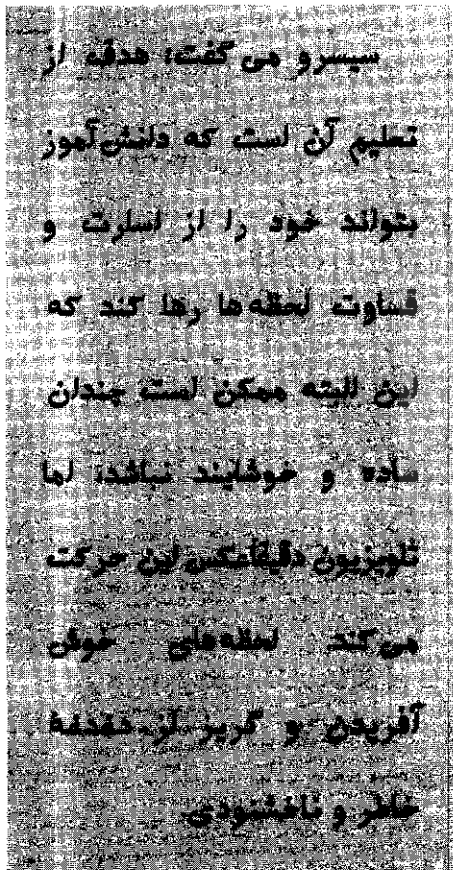
طی یک بررسی مشخص شده است، ۱۱۶ کشور که دارای کتابخانه ملی هستند، در مجموع ۱۶۰ میلیون

نوعی مهارت است که به علت نظام مند بودن، زمینه داوری درست را فراهم می کند.

مسلماً یک متفکر نقاد در مسیر حرکت خود به شدت به "اطلاعات" احساس نیاز می کند و این احساس او را به خواندن وامی دارد. خواندن پویا و هدفمند که او را در دریای اطلاعات به غواصی وامی دارد، ولی متأسفانه ساختار کشورهای جنوب بیشتر به گونه ای است که نه صدایشان تقویت کننده این تفکر نقاد است. به قول فریره بیشتر پدیدآور فرهنگ سکوت است. نه محیط سیاسی و اجتماعی آنان به گونه ای است که اجازه این تفکر را به وی بدهد. عدم تکثر تفکر سیاسی و نبود تساهل در گفتمان سیاسی، زمینه هر تفکر نقادی را در این جوامع می خشکاند و نوعی از اندیشمندان مداح! را به ظهور می رساند که نیازی به کتاب و کتابخانه و اطلاعات برای مداحی خود ندارند. نادر افرادی هم که به علل مختلف به کتاب و کتابت و اطلاعات روی می آورند عملاً، با عدم تنوع در مواد اطلاعاتی مواجه می شوند که مانع دیگری محسوب می شود.

۶. عدم تنوع مواد اطلاعاتی

در حالی که در جوامع شمال پدیده ای به نام "اضافه بار اطلاعاتی" مشکلاتی را در پی داشته است یعنی میزان اطلاعات در این جوامع چنان سریع رشد یافته است که یک شهروند معمولی برای جذب آن باید تلاش فوق العاده ای را بکند و چنانچه نتواند جذب کند که بیشتر هم نمی تواند، یا احساس سرگردانی می کند و یا به حالتی کنش پذیر پناه می برد؛ نبود اطلاعات، عدم تنوع اطلاعات و موارد مشابه دیگر باعث شده است که در کشورهای جهان سوم امکان جذب و جلب لازم برای گرایش به کتاب و اطلاعات به وجود نیاید. نگاهی گذرا به آمار انتشار کتاب و



جلد کتاب دارند که یک چهارم این تعداد متعلق به آمریکا و روسیه، تقریباً ۵۰ میلیون جلد متعلق به ۱۰ کشور اروپای غربی و شصت و اند میلیون جلد باقی مانده متعلق به ۱۰۴ کشور دیگر است.

این نابرابری در منابع کتابخانه ملی کشورها که به عنوان ویرترین فرهنگی هر کشور به شمار می آید، بهترین مؤید نابرابری در تمامی عرصه های ارائه

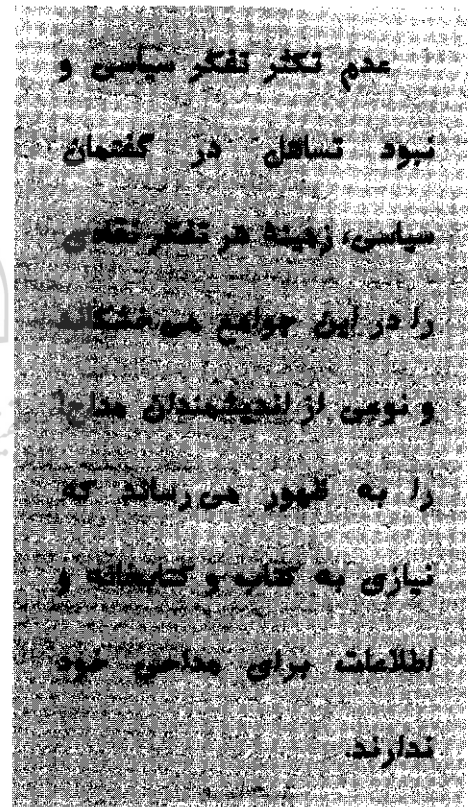
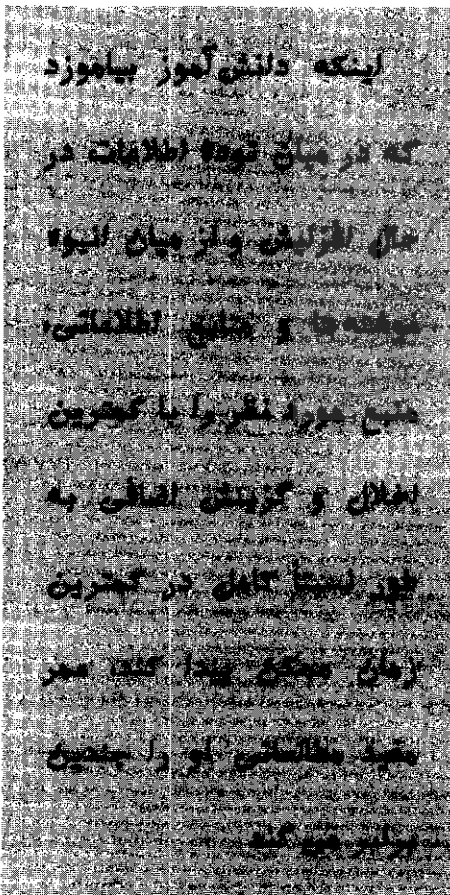


اطلاعات است (۸۵:۱۶).

است. طراز مبادله اطلاعات کشورها نشان می‌دهد که میزان تولید اطلاعات در جهان سوم بسیار ناچیز است و عملاً صاحبان اطلاعات که یا خارجی‌اند و یا اطلاعات آنها از خارج مرزها نشأت می‌گیرد، قدرتی عظیم در اختیار دارند تا اندیشه‌هایی را که برای اکثریت می‌پسندند رواج دهند. این بی‌اعتمادی به ورودی اطلاعات و هم چنین فقر ارتباطی باعث می‌شود که میزان گرایش به اطلاعات در این جوامع به شدت تقلیل یابد. فرد جهان سومی که عملاً در تعلیم و

۷. استعمار اطلاعاتی

مفاهیمی همچون "آزادی اطلاعات"، "جریان متوازن اطلاعات" همچنان که در اعلامیه جهانی ۱۹۴۸ بیان شده است نتیجه طبیعی و حق اولیه آزادی بیان و عقیده است. اما عملاً در جهان سوم سخن گفتن از



"جریان متوازن اطلاعات" امری غیر واقع می‌نماید. مفهوم جریان آزاد اطلاعات در عمل به سود کسانی کار کرده است که دارای بزرگ‌ترین منابع ارتباطی هستند و به طور کلی باید اذعان کرد که این جریان به زیان "نادارها" و به سود "داراها" عمل کرده است (۱۱۶:۳) و همواره جریانی عمدی و یک‌سویه بوده

تربیتش به این سو گرایش نیافته است، در ایام بزرگسالی نیز تجهیزات و امکانات لازم را برای بهره‌گیری بهینه از اطلاعات فراهم نمی‌بیند، لذا هیچ

گاه این بهره‌گیری در وجود وی نهادینه نمی‌شود.

کند، عمر مفید مطالعاتی او را چندین برابر می‌کند و این افزایش کارایی خود انگیزه مؤثری برای ادامه راه اوست.

۸. نبود کتابداران و اطلاع‌رسانان متخصص

در بسیاری از این کشورها افراد متخصص در رأس کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی قرار نگرفته‌اند، در بیشتر کتابخانه‌های این کشورها نیز استانداردهای لازم در ساختار نیروی انسانی مراعات نمی‌شود. این عدم به‌کارگیری افراد واجد شرایط باعث می‌شود که کتابخانه‌هایی تحرک شده و به انبار کتاب تبدیل شوند. هدایت نادرست مراجعان و به کار نگرفتن فنون لازم برای جذب و جلب خوانندگان بالقوه کتاب از عوامل مؤثر در عدم خواندن در این کشورها محسوب شود.

تحقیقات انجام شده در ایران نشان می‌دهد که مدارس در حد بسیار کمی از کتابخانه‌های آموزشگاهی و از کتابدار - معلم بهره‌مند هستند که نبود این متخصصان سبب کاستی‌های دیگر نیز می‌شود (۷۶:۸-۷۷).

۹. بی سوادی و بی سوادی اطلاعاتی

درباره بی سوادی به عنوان یکی از عوامل مهم عدم توسعه، بحث‌های زیادی شده است و نیازی به توضیح ندارد. مسئله امروز بی سوادی اطلاعاتی است.

سواد اطلاعاتی را - که از آن به عنوان هنر لیبرال! یاد شده است (۲۳) - یادگیری بنیادی در ارزیابی و دستیابی به اطلاعات تعریف کرده‌اند.

اینکه دانش آموز پیاموزد که در میان توده اطلاعات در حال افزایش و از میان انبوه نوشته‌ها و منابع اطلاعاتی، منبع مورد نظر را با کمترین اخلال و گزینش اضافی به طور نسبتاً کامل در کمترین زمان ممکن پیدا

بی سواد و بی سواد اطلاعاتی برای کشورهای شمال نیز معضل زاست. بر اساس پژوهش‌ها نزدیک ۲۳ درصد از آمریکاییان، یعنی حدود ۴۴ میلیون نفر از نظر سواد در سطح بسیار پائینی هستند (۱۹).

در کشورهایی مثل آمریکا، هلند، انگلیس و استرالیا حرکت‌های بنیادینی برای تعلیم این "سواد" آغاز شده است، اما در کشورهای جهان سوم در این زمینه تحرکی به چشم نمی‌خورد. این عدم آشنایی به فنون اطلاع‌یابی می‌تواند خود به صورت مانعی مؤثر در عدم اقبال به کتاب و کتابخانه تلقی شود.

تافلر معتقد است که در این هزاره قدرت اندیشه جایگزین قدرت ماشین خواهد شد و برای موفقیت این جایگزینی، باید خواند (۲۰). مسلماً هرگونه اهمال در این عرصه، فاصله ما را با دیگران بیشتر خواهد کرد. شکاف دیجیتالی بسی هولناک‌تر، وسیع‌تر و مرگ‌تر از شکاف طبقاتی عصر سرمایه‌داری خواهد بود.

شناسایی آسیب‌های خواندن و داشتن برنامه‌های راهبردی برای رفع موانع و رشد گرایش به اطلاعات و خواندن آن از ویژگی‌های یک جامعه خردمند و آینده‌نگر خواهد بود.

ماخذ

۱. احسان اغلو، اکمل الدین. "شبکه بین‌المللی در حوزه فرهنگ اسلامی در میان کشورهای اسلامی". ترجمه عبدالحسین آذرنگ. در اکمل الدین احسان اغلو و دیگران. شبکه اطلاع‌رسانی در کشورهای اسلامی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۶۹، ص ۲۱-۴۱.
۲. استیونگر، رالف سی. راه‌های تشویق به مطالعه. ترجمه پروانه سپرده. تهران: هیئت امنای کتابخانه‌های

۱۷. «وقت کتابخوانی در ایران ۲/۵ دقیقه در روز است». اطلاعات، اول خرداد ۱۳۷۲.
۱۸. «هر ایرانی در سال یک دقیقه کتاب می خواند». همشهری، ۲۹ آذر ۱۳۷۲.

19. "Adult Literacy in the United States" [on-line]. Available: <http://www.famlit.org/research/research.html#adult> (12/12/2002).

20. "DIVE INTO THE OCEAN OF KNOWLEDGE" [on-line]. Available: http://members.tripod.com/holy_98/reading.htm (17/11/2002).

21. Peter D, Hart "Poll on the Reading Habits of Adolescents" [on-line]. Available: <http://www.nea.org/readingmatters/readpoll.html> (13/3/2002).

22. "Reading Proficiency, and Television and Reading Habits of 4th Graders in Public Schools" [on-line].

Available: <http://www.colorado.edu/libraries/govpubs/colonumb/tvread.htm> (5/2/2002).

23. shapiro, jeremy J.; Hughes, Shelley K. "INFORMATION LITERACY AS A LIBERAL ART"

[on-line]. Available: <http://busboy.sped.ukans.edu/~601/articles/infolit.html> (19/10/2002).

تاریخ دریافت: ۷۹/۲/۱۷

- عمومی کشور، ۱۳۷۰.
۳. اسمیت، آنتونی. ژئوپولیتیک اطلاعات. ترجمه فریدون مشیری. تهران: سروش، ۱۳۶۴.
۴. برلین، اشعیا. اربعه مقالات فی الحرّیه. ترجمه عبدالکریم محفوض [محموظ]. دمشق: منشورات وزارة الثقافة، ۱۹۸۰.
۵. پستمن، نیل. زندگی در عیش مردن در خوشی. ترجمه صادق طباطبایی. تهران: اطلاعات، ۱۳۵۷.
۶. تافلر، آلون. جابجایی در قدرت. ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: [بی نا]، ۱۳۷۲.
۷. حری، عباس. "یادداشت سردبیر". فصلنامه کتاب، دوره هفتم، ۲ (تابستان ۱۳۷۵): ۵-۶.
۸. خسروی، فربرز. کتابخانه های آموزشگاهی ایران. تهران: صالحین، ۱۳۷۳.
۹. دورانت، ویل. تاریخ تمدن، ج ۴: عصر ایمان. ترجمه ابوالقاسم طاهری. تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۰. ذوالفقاری، غلامحسین. رهنمون. تهران: [بی نا]، ۱۳۶۶.
۱۱. رشیدپور، ابراهیم. تلویزیون و اطفال. تهران: انتشارات رادیو و تلویزیون، ۱۳۵۲.
۱۲. زرافشان، علی. "بررسی وضعیت مطالعه غیردرسی دانش آموزان کشور". پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۱۳. زیگرید، هونکه. فرهنگ اسلام در اروپا. ترجمه مرتضی رهبانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
۱۴. فریره، پائولو. آموزش ستمدیدگان. ترجمه احمد بیرشک، سیف الله داد. تهران: خوارزمی، ۱۳۵۸.
۱۵. کوندرا، میلان. کتاب خنده و فراموشی. ترجمه فروغ پوریایوری. تهران: روشنگران، ۱۳۷۲.
۱۶. مک براید، شون، ویرایش گر. یک جهان چندین صدا. ترجمه ایرج راد. تهران: سروش، ۱۳۶۹.